

پرش ها و پانچ ها

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوبه‌ها شعی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. احکام؛ مشاغل و مکاسب حرام
۲. احکام؛ عقود و معاملات؛ خرید، فروش، اجاره و رهن
۳. احکام؛ مسائل مستحدثه (نویدها)

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: پرسشگر

تاریخ: ۱۴۰۲/۳/۱۷

خرید و فروش در بازار جهانی تحت عنوان CFD چه حکمی دارد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۴۰۲/۳/۲۹

قرارداد ما به التفاوت (CFD)، به معنای قراردادی که در آن، شخص بدون داشتن مالکیت یا خرید سهام چیزی، روی تغییر قیمت آن در آینده معامله می کند، به دلایل زیر، فاسد و نامشروع است:

۱. مصداق «قمار» است که در آن یکی از طرفین معامله سود می برد و طرف دیگر زیان می بیند، در حالی که هیچ یک استحقاق سود یا زیان را ندارند؛ با توجه به اینکه مالک واقعی دارایی نیستند و صرفاً بر اساس پیش بینی خود از آینده ی قیمت آن، اقدام به معامله می کنند، در حالی که آینده ی قیمت آن، تابع متغیرهای مختلف و نامحسوری است و این باعث می شود که معامله، حالت «شرط بندی» داشته باشد.

۲. مصداق «أكل مال به باطل»^۱ است؛ با توجه به اینکه عمدتاً صوری و اعتباری است و در آن داد و ستد عینی و حقیقی صورت نمی گیرد، در حالی که خداوند فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ﴾؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! اموالتان را میان خود به باطل نخورید».

۳. مصداق «بيع غرر»^۲ است؛ با توجه به اینکه عاقبت آن معلوم نیست و ممکن است یکی از دو عوض در آن حاصل نشود، در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از چنین بیعی نهی فرموده است.^۴

۱. خوردن مال دیگری به ناحق یا بیهودگی

۲. النساء / ۲۹

۳. مخاطره و ریسک

۴. بنگرید به: مسند زید بن علی لأبي خالد الواسطي، ص ۲۶۰؛ مسند أبي حنيفة (رواية الحصكفي)، الحديث ۹؛ موطأ مالك (رواية يحيى)، ج ۲، ص ۶۶۴؛ الخراج لأبي يوسف، ص ۱۰۰؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۸، ص ۱۰۸؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۴، ص ۳۱۲؛ مسند أحمد، ج ۴، ص ۴۸۰؛ مسند الدارمي، ج ۳، ص ۱۶۶۳؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۳۹؛ سنن أبي داود، ج ۳، ص ۲۵۴؛ سنن الترمذي، ج ۳، ص ۵۲۴؛ مسند البزار، ج ۱۱، ص ۲۱۱؛ المنتقى لابن الجارود، ص ۲۲۳؛ مستخرج أبي عوانة، ج ۳، ص ۲۵۸؛ دعائم الإسلام لابن حيون، ج ۲، ص ۲۱؛ عيون أخبار الرضا لابن بابويه، ج ۲، ص ۵۰.

۴. مصداق «بیع ما لا یملک»^۱ است؛ با توجّه به اینکه در آن، چیزی فروخته می‌شود که واقعاً و کاملاً در تملک نیست، در حالی که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «لَا بَيْعَ فِيمَا لَا يَمْلِكُ»^۲؛ «چیزی که در تملک نیست، قابلیت فروش ندارد».

۵. مصداق «بیع مدّت دار با سررسید مجهول» است؛ با توجّه به اینکه زمان پایان قرارداد در آن معلوم نیست و خریدار می‌تواند هر زمانی که خواست به صورت یک طرفه آن را پایان دهد، در حالی که چنین بیعی به نظر همه‌ی عالمان مسلمان باطل است؛ چراکه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است: «مَنْ أَسْلَفَ فَلْيُسْلِفْ إِلَى أَجَلٍ مَعْلُومٍ»^۳؛ «هر کس بیع مدّت دار انجام می‌دهد، باید با سررسید معلوم انجام دهد».

۶. آلوده به رباست؛ با توجّه به اینکه در آن، تا زمان پایان معامله، به ازای هر شب، یک «بهره‌ی تأمین مالی شبانه» پرداخت می‌شود که مانند بهره‌ی تعیین شده برای وام است و از این جهت، ربا محسوب می‌شود که گناه بزرگی است.

۷. سودجویی از اوضاع آشفته و نابسامان اقتصادی است؛ با توجّه به اینکه در آن، از تورّم و سقوط ارزش دارایی‌ها بهره‌برداری می‌شود و این یک فعالیت انگلی و حریصانه است که در شأن مؤمنان نیست.

از اینجا دانسته می‌شود که معامله‌ی مذکور، مصداق «ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ»^۴؛ «تاریکی‌هایی بر روی یکدیگر» است و با این وصف، باید از آن اکیداً اجتناب شود.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب شاهنشاهی خراسانی
مجلس خبرگان رهبری



۱. فروش چیزی که در تملک شخص نیست.
۲. مسند أحمد، ج ۱۱، ص ۳۸۲؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۲۵۸؛ سنن النسائي، ج ۷، ص ۲۸۸؛ شرح مشکل الآثار للطحاوي، ج ۲، ص ۱۳۴؛ مسند الشاميين للطبراني، ج ۱، ص ۲۰۰؛ سنن الدارقطني، ج ۵، ص ۲۷؛ المستدرک علی الصحيحین للحاکم، ج ۲، ص ۲۱؛ السنن الكبرى للبيهقي، ج ۵، ص ۵۵۴.
۳. الحجة علی أهل المدينة للشيباني، ج ۲، ص ۶۱۷؛ مسند الشافعي، ص ۱۳۹؛ مسند الحميدي، ج ۱، ص ۴۴۹؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۴، ص ۴۷۹؛ صحيح البخاري، ج ۳، ص ۸۵؛ صحيح مسلم، ج ۵، ص ۵۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۷۶۵؛ سنن أبي داود، ج ۳، ص ۲۷۵؛ سنن الترمذي، ج ۳، ص ۵۹۴؛ سنن النسائي، ج ۷، ص ۲۹۰.
۴. التّور / ۴۰.